

بسم الله الرحمن الرحيم

پاسخ به شبهه ی اسلام ستیزان: امام حسین (ع) به عنوان سرباز در لشکر معاویه و دوشادوش یزید!

طرح شبهه

امام حسین به عنوان سرباز در لشکر معاویه و دوشادوش یزید!

یکی از اتفاقاتی که در سال ۴۹ قمری افتاد آن است که حسین فرزند دوم علی بن ابی طالب به عنوان سرباز در لشکر خلیفه ی وقت، معاویه، و به فرماندهی یزید بن معاویه به جنگ با رومیان رفت و دوشادوش یزید بن معاویه جنگید.

در سال ۴۹ هـ معاویه سپاهی فراهم کرد جهت فتح قسطنطنیه پایتخت روم شرقی که در سپاه افرادی همچون عبدالله بن زبیر عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، ابو ایوب انصاری، یزید بن معاویه و حسین بن علی شرکت داشتند. این سپاه موفق به تصرف قسطنطنیه نشد و با مقاومت سپاه روم مجبور به عقب نشینی شدند.

پاسخ به شبهه

نقل متون مصادر مورد استدلال اسلام ستیزان

ابتدا متن مربوط به چنین ادعایی را از مصادر مربوطه نقل می کنیم:

ووفد علی معاویه وتوجه غازيا إلى القسطنطينية في الجيش الذي كان أميره یزید بن معاویه.

ابن عساکر الدمشقی الشافعی، ابي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله (المتوفى ۵۷۱ هـ)، تاریخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، ج ۱۴، ص ۱۱۱، تحقیق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ناشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵ م.

الصفدي، صلاح الدين خليل بن أيبك (المتوفى ۷۶۴ هـ)، الوافي بالوفيات، ج ۱۲، ص ۲۶۲، تحقیق: أحمد الأرناؤوط وتركي مصطفى، الناشر: دار إحياء التراث - بيروت - ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م.

ابن كثير الدمشقي، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (المتوفى ۷۷۴ هـ)، البداية والنهاية، ج ۱۱، ص ۴۷۷، تحقیق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، سنة النشر: ۱۴۲۴ هـ / ۲۰۰۳ م.

[ابن عساکر - عالم مشهور اهل سنت - می گوید] حسین بن علی به نزد معاویه آمد و با سپاهی که فرمانده آن یزید بن معاویه بود برای جهاد به قسطنطنیه رفت.

محور اول: عدم حجیت مصادر مورد استدلال برای شیعیان

با توجه به قاعده ی الزام خصم، مصادر مورد استدلال اسلام ستیزان برای شیعیان الزام آور نیست و حجیتی ندارد. تمامی این مصادر متعلق به اهل سنت می باشد نه شیعیان و به همین دلیل فاقد شرط لازم برای استدلال در مقابل شیعیان می باشد.

محور دوم: عدم اتصال گزارش به زمان وقوع واقعه

ابن عساکر (متوفای ۵۷۱ هـ) از پیشگامان نقل این گزارش ادعایی می باشد که بین وی و زمان وقوع واقعه (سال ۴۹ یا ۵۰ یا ۵۱ هـ) فاصله ی زیادی وجود دارد. طبیعتاً چنین نقلی به دلیل عدم اتصال زمانی تا زمان وقوع قابلیت استناد ندارد. همچنین قرائن و شواهدی نیز در تایید و تقویت آن موجود نیست و اتفاقاً قرائن و شواهد بر خلاف آن است که در ادامه خواهد آمد.

افراد دیگری که مشابه ادعای ابن عساکر را با اندکی تفاوت مطرح کرده اند، صفدی (متوفای ۷۶۴ هـ) و ابن کثیر (متوفای ۷۷۴ هـ) می باشند که با توجه با ظاهر نقل صفدی به نظر می رسد وی عیناً نقل ابن عساکر را در کتاب خود آورده است.

نکته ای که کمی عجیب به نظر می رسد آن که ابن عساکر بر خلاف روش همیشگی خود در نقل سندهای متصل از مشایخ و اساتیدش برای وقایع و تراجم مختلف، در این مورد خاص هیچ سلسله سندی ذکر نکرده و سرفا از جانب خود ادعایی را مطرح کرده است.

به هر جهت با توجه به این که این گزارش نه سندی دارد و نه قرینه و شاهدهی که آن را تقویت کند و ناقلان با زمان وقوع فاصله ی زمانی زیادی دارند، قابلیت اتکا و پذیرش ندارد.

محور سوم: ناسازگاری ادعای ابن عساکر با گزارش های تاریخی مصادر مشهور

واقعه ی جنگ قسطنطنیه بر اساس نظر مشهور مورخین در یکی از سال های ۴۹ هـ یا ۵۰ هـ یا ۵۱ هـ رخ داده است. با مراجعه به مصادر و گزارش های تاریخی مختلف در می یابیم که هم ادعای فرماندهی یزید بن معاویه در آن جنگ و هم ادعای حضور امام حسین (ع) در آن لشکر مورد تایید نیست و در گزارش های متعدد و مشهور به اثبات نمی رسد.

وفیها کانت غزوة یزید بن معاویة الروم حتی بلغ قسطنطینیة، ومعه ابن عباس وابن عمر وابن الزبیر وأبو یوب الأنصاری.

الطبري، أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب (المتوفی ۳۱۰)، تاریخ الطبري، ج ۵، ص ۲۳۲، الناشر: دار التراث - بیروت، الطبعة: الثانية - ۱۳۸۷ هـ.

در این سال (۴۹ هـ) یزید بن معاویه برای جنگ به روم رفت تا این که به قسطنطنیه رسید و ابن عباس و ابن عمر و ابن الزبیر و ابو ایوب انصاری همراه او بودند.

ملاحظه می فرمایید که در گزارش طبری نه صحبتی از فرماندهی یزید است و نه حضور امام حسین (ع) در این لشکر. دقت داشته باشید که در چنین مواردی مورخان تمام سعی خود را برای ذکر اسامی افراد مشهور و موثر و بزرگ به کار می بندند و اگر امام حسین (ع) در این جنگ حضور می داشت قطعاً مورخی چون طبری بدان اشاره می کرد.

سوال مهم ما در اینجا از اسلام ستیزان آن است که چگونه گزارش تاریخ طبری - که به نوعی از محبوب ترین مصادر تاریخی اسلام ستیزان برای شبهه پراکنی به حساب می آید - را رها کرده اند و به ادعای ابن عساکر متمسک شده اند؟! آن هم در شرایطی که گزارش طبری (متوفای ۳۱۰ هـ) متقدم بر ادعای ابن عساکر (متوفای ۵۷۱ هـ) می باشد.

وفیها: غزا یزید بن معاویة أرض الروم حتى بلغ القسطنطينية ومعه ابن عباس، وابن عمر، وابن الزبیر، وأبو أيوب الأنصاري.

ابن الجوزي الحنبلي، جمال الدين ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد (المتوفى ۵۹۷ هـ)، المنتظم في تاريخ الملوك والأمم، ج ۵، ص ۲۳۴، المحقق: محمد عبد القادر عطا، مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲ م.

در این سال (۴۹ هـ) یزید بن معاویه برای جنگ به روم رفت تا این که به قسطنطنیه رسید و ابن عباس و ابن عمر و ابن الزبیر و ابو ایوب انصاری همراه او بودند.

ملاحظه می فرمایید که ابن الجوزی نیز سخنی از فرماندهی مستقیم یزید یا حضور امام حسین (ع) در این جنگ نمی گوید.

فِي هَذِهِ السَّنَةِ، وَقِيلَ: سَنَةَ خَمْسِينَ، سَيَّرَ مُعَاوِيَةُ جَيْشًا كَثِيفًا إِلَى بِلَادِ الرُّومِ لِلْغَزَاةِ وَجَعَلَ عَلَيْهِمْ سُفْيَانَ بْنَ عَوْفٍ وَأَمَرَ ابْنَهُ يَزِيدَ بِالْغَزَاةِ مَعَهُمْ، فَتَنَاقَلَ وَاعْتَلَّ، فَأَمْسَكَ عَنْهُ أَبُوهُ، فَأَصَابَ النَّاسُ فِي غَزَاتِهِمْ جُوعٌ وَمَرَضٌ شَدِيدٌ... وَكَانَ فِي هَذَا الْجَيْشِ ابْنُ عَبَّاسٍ وَابْنُ عَمْرٍ وَابْنُ الزُّبَيْرِ وَأَبُو أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ وَغَيْرُهُمْ وَعَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ زُرَّارَةَ الْكِلَابِيِّ...

ابن أثير الجزري، عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد (المتوفى ٦٣٠هـ) الكامل في التاريخ، ج ٣، ص ٥٧٥ و ٥٧٦، تحقيق: عمر عبد السلام تدمري، الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ / ١٩٩٧م.

در این سال (٤٩ هـ) و همچنین گفته شده در سال ٥٠ هـ معاویه لشکری پر تعداد را برای جنگ به روم فرستاد و سفیان بن عوف را به عنوان فرمانده آنان تعیین کرد و به پسرش یزید دستور داد تا همراه آن ها بجنگد اما یزید سستی کرد و معاویه دست از او برداشت. افرادی که برای جنگ رفته بودند با گرسنگی و بیماری شدید رو به رو شدند ... در این لشکر ابن عباس و ابن عمر و ابن الزبیر و ابو ایوب انصاری و دیگران و عبد العزیز بن زراره کلابی حضور داشتند ...

بر اساس گزارش ابن الاثیر نیز فرماندهی لشکر معاویه بر عهده ی سفیان بن عوف بوده و یزید نیز یکی از همراهان این لشکر بوده که در همراهی این لشکر کوتاهی و سستی کرده و سخنی از حضور امام حسین (ع) در این لشکر نیز در میان نیست.

به هر جهت با مراجعه به مصادر و گزارش های متعدد تاریخی نیز می بینیم که بر خلاف ادعای ابن عساکر نه سخنی از فرماندهی یزید بن معاویه است و نه سخنی از حضور امام حسین (ع) در این لشکر.

محور چهارم: ادعای هماهنگ مورخان شامی؛ اتفاق یا تعمد؟!

با دقت در نام و شرح حال مورخان که ادعای حضور امام حسین (ع) در لشکر معاویه را مطرح کرده اند، در می یابیم که یا خود اهل «شام» هستند (ابن عساکر (متوفای ٥٧١ هـ) و ابن کثیر (متوفای ٧٧٤ هـ)) یا عمده ی زندگی و تحصیلات خود را در «شام» طی کرده اند. (صفدی (متوفای ٧٦٤ هـ))

با توجه به آن که شام مامن و مقر نواصب و دشمنان اهل بیت علیهم السلام بوده، طرح چنین ادعایی از سوی مورخان و علمایی که پرورش یافته ی این سرزمین بوده اند کاملاً مشکوک و تا حد زیادی تعمدی به نظر می رسد. بی شک هدف از چنین هماهنگی و تعمدی مخفی ساختن حقد و کینه ی معاویه و یزید نسبت به اهل بیت علیهم السلام و عادی جلوه دادن روابط طرفین می باشد.

محور پنجم: عدم استدلال به حضور امام حسین (ع) در لشکر معاویه از سوی معاندان

اگر ادعای حضور امام حسین (ع) در لشکر معاویه و به فرماندهی یزید درست می بود، اولین کسانی که با قدرت و شدت هر چه تمام تر بدان استدلال می کردند، بنی امیه بودند. در مواضع مختلفی همچون حوادث عاشوراء و اختلافات و دشمنی شدید میان امام حسین (ع) و یزید بن معاویه و همچنین اختلافات بعدی موجود بین اهل بیت علیهم السلام و بنی امیه، یکی از بهترین استدلال هایی که می توانست به سود بنی امیه باشد،

اشاره به حضور امام حسین (ع) در لشکر معاویه به فرماندهی یزید بود که هیچ نشانی از چنین استدلال و اشاره ای در تاریخ یافت نمی شود!

اگر چنین ادعایی صحیح می بود و حقیقت داشت، هم به شهرت تاریخی بالایی می رسید و هم نقل محافل معاندان و نواصب و به خصوص بنی امیه می شد و همواره در برابر اهل بیت علیهم السلام و اصحابشان بدان متمسک می شدند حال آن که چنین نیست و همین دال بر عدم صحت این ادعاست.

محور ششم: سخن جالب فضل بن شاذان (صحابی خاص اهل بیت علیهم السلام) و نکوهش حضور در لشکر معاویه

اگر در گزارش های تاریخی که ارائه شد دقت کرده باشید، نام «ابویوب انصاری» به عنوان یکی از حاضران در لشکر معاویه به صورت مشترک در تقریبا تمامی گزارش ها ذکر شده است. با در نظر داشتن این نکته به سراغ روایتی از کتب شیعه می رویم که از زبان فضل بن شاذان (از اصحاب خاص امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع)) نقل شده است:

و سئل الفضل بن شاذان عن أبي أيوب خالد بن زيد الأنصاري و قتاله مع معاوية المشركين فقال كان ذلك منه قلة فقه و غفلة، ظن أنه إنما يعمل عملاً لنفسه يقوي به الإسلام و يوهي به الشرك و ليس عليه من معاوية شيء كان معه أو لم يكن.

الطوسي، الشيخ الطائفة أبي جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسين (المتوفى ٤٦٠هـ)، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشي، ص ٣٨، محقق: حسن مصطفوي، الناشر: مؤسسة نشر دانشگاه مشهد، الطبعة: الأولى، ١٤٠٩ هـ.

از فضل بن شاذان در مورد ابو ایوب انصاری و حضور او در لشکر معاویه و جنگ وی با مشرکین سوال شد. فضل بن شاذان چنین پاسخ داد: این عمل ابویوب انصاری ناشی از قلت فقه و غفلت او بود. او تصور می کرد که او از سوی خودش کاری می کند که موجب تقویت اسلام و نابودی شرک می شود و حقی از معاویه متوجه وی نیست، چه او با معاویه باشد و چه نباشد.

دقت داشته باشید که فضل بن شاذان ابویوب انصاری را به دلیل حضور در لشکر معاویه ولو آن که با نیت خوبی بوده و به منظور تقویت معاویه و دفاع از وی نبوده مورد سرزنش قرار می دهد. قطعاً اگر امام حسین (ع) در این لشکر حاضر می بود، فضل بن شاذان به عنوان یکی از اصحاب خاص و با فضیلت اهل بیت علیهم السلام با مستند کردن عمل ابویوب انصاری به عمل امام حسین (ع) از وی دفاع می کرد و می گفت ابویوب انصاری در این عمل خود تابع امام حسین (ع) بوده است.

محور هفتم: جنگ و جهاد فقط زیر پرچم امام عادل!

بر اساس روایات فراوانی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده و در حد تواتر می باشد، جنگ و جهاد تنها زیر پرچم امام بر حق و امام عادل جایز است. در غیر این صورت فرد شرکت کننده در چنین جنگی حتی اگر کشته شود، مرگ جاهلیست و شریک دشمنان اهل بیت علیهم السلام در ریختن خونشان می باشد!

به یک نمونه از این روایات اشاره می کنیم:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْيَقْطِينِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعًا بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ ... - لَا يَخْرُجُ الْمُسْلِمُ فِي الْجِهَادِ مَعَ مَنْ لَا يُؤْمِنُ عَلَى الْحُكْمِ وَ لَا يُنْفِذُ فِي الْفَيْءِ أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ كَانَ مُعِينًا لِعَدُوِّنَا فِي حَبْسِ حُقُوقِنَا وَ الْإِسْطَاةِ بِدِمَائِنَا وَ مَيْتَتُهُ مَيْتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ ...

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (المتوفی ۳۸۱هـ)، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۵، ح ۱۰، تحقیق، تصحیح وتعلیق: علی أكبر الغفاری، ناشر: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة، سال چاپ ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲.

فرد مسلمان نباید در رکاب کسی که در انجام دستورات الهی بر او اعتمادی نیست و فرمان خدا را در باره غنیمت جنگی اجرا نمی کند به جنگ برود و چنانچه در چنین جنگی کشته شود، در حبس حقوق ما و ریختن خون های ما دشمنان را یاری نموده است و مرگ او همان مرگ دوران جاهلیت است ...

بر اساس این دسته از روایات، حضور اهل بیت علیهم السلام در هر جنگ و جهادی با فرماندهی شخصی غیر از اهل بیت علیهم السلام مردود می باشد.

نتیجه

الف) هیچ گزارش معتبر تاریخی در تایید ادعای ابن عساکر مبنی بر حضور امام حسین (ع) در لشکر معاویه وجود ندارد.

ب) بر خلاف ادعای ابن عساکر؛ بر اساس برخی گزارش های تاریخی فرماندهی لشکر معاویه بر عهده ی سفیان بن عوف بود و یزید بن معاویه نیز به عنوان یکی از اعضای این لشکر با آنان همراهی می کرد.

ج) تمامی گزارش ها و ادعاهای مشابه ادعای ابن عساکر ریشه در مصادر اهل سنت دارند و در هیچ یک از مصادر معتبر و متقدم شیعه اشاره ای به چنین مساله ای نشده است و بر اساس قاعده ی الزام چنین اخبار و گزارش هایی حجیت و اعتبار و ارزشی برای شیعیان ندارد.

د) بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام، حضور در جنگ و جهاد با رهبری و فرماندهی امام غیر عادل جایز نیست و کشته شدن در چنین جنگ و جهادی در حکم مرگ جاهلیست. از این رو حضور اهل بیت علیهم السلام در چنین جنگ و جهادهایی منتفی است.

تهیه شده در واحد ادیان، فرق و قومیت های جنبش مضاف (افق)

@masaf_ofogh